شرکت‌کنندگان سومین رویداد عصر امید در گفت‌وگو با «فرهیختگان» از اهمیت آن گفتند

فرصت نمایش استعداد فناوران دانشگاه

فرهیختگان دانشگاه

شماره مسلسل ۴۶۱۷ | پنجشنبه ۱۱ خرداد ۱۴۰۲ | ۱۲ ذیقعده ۱۴۴۴ | اول ژوئن ۲۰۲۳ | شماره ۳۸۷۹

Thu | 1 June 2023 | vol.15 | No. 3879 | 16 Pages

www.Fdn.ir

در میزگرد بررسی مستند «لاتارینو» مطرح شد

نقش سیاستگذار صرفا افتتاح خانه خلاق یا مرکز نوآوری نیست

مدیر دفتر آموزش عالی مرکز پژوهش‌های مجلس در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

فرهنگ و زیست دانشجو اولویت برنامه هفتم نبوده است

مدیر دفتر آموزش عالی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

فرهنگ و زیست دانشجو اولویت برنامه هفتم نبوده است

زهرا رمضانی

خبرنگار گروه دانشگاه

اسناد توسعه‌ای ریل‌گذاری کشور را برای ۵ سال در حوزه‌های مختلف اقتصادی، امنیتی، فرهنگی، آموزشی و... مشخص می‌کنند؛ اسنادی که اولین آن در سال ۶۸ مصوب شد تا از اواخر دهه ۶۰، چشم‌انداز کشور در حوزه‌های مختلف معلوم باشد. تدوین این اسناد در دولت‌های مختلف تداوم داشته و همین مساله باعث شده اولویت‌ها در هر دوره‌ای متفاوت باشد. در این میان یکی از بخش‌های مهم این اسناد را باید حوزه مرتبط با آموزش عالی دانست؛ بخشی که ریل‌گذاری درست در آن می‌تواند سهم بسزایی در پیشبرد اهداف دیگر بخش‌ها داشته باشد. طبیعتا مولفه اصلی برای رسیدن به اقتصادی پویا، تقویت حوزه امنیتی و حتی تقویت بنیه‌های فرهنگی کشور، همگی به‌نوعی از مسیر دانشگاه‌ها می‌گذرد که نهاد اصلی تربیت نیروی انسانی است. آنچه در حوزه آموزش عالی در تمام ۴ دهه گذشته مورد توجه قرار گرفته، بحث توسعه کمی مراکز آموزش عالی بوده است؛ موضوعی که طبیعتا در بازه زمانی خود دستاوردهای خوبی را هم نصیب کشور کرده‌است. با این حال طی سال‌های اخیر مقوله کیفیت و همچنین توجه به پذیرش دانشجو در رشته‌های مورد نیاز کشور، موضوع مورد تاکید فعالان این عرصه بوده است، از سوی دیگر اتفاقات رخ داده در سال گذشته که به معنی ورود دانشجویانی با زاویه دید و زیست خاص به خودشان به فضای دانشگاهی است که هم به معنی لزوم توجه بیشتر به مقوله فرهنگ است. مولفه‌هایی که با تدوین برنامه هفتم توسعه، انتظار می‌رفت مسیر کشور در حوزه آموزش عالی با درنظر گرفتن آنها تدوین شود. سندی که هرچند با یک سال تأخیر رونمایی شد، اما نگاه‌های متفاوتی نسبت به آن وجود دارد. در این گزارش سراغ یوسف زراعت کیش، مدیر دفتر آموزش عالی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی رفتیم تا ضمن نگاهی به اسناد توسعه‌ای، پیش‌نویس ارائه‌شده برنامه هفتم را بررسی کنیم. متن کامل این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

III

اسناد پنج‌ساله توسعه تا امروز چه نقشی در توسعه آموزش عالی کشور ایفا کرده‌اند؟

با توجه به اینکه تقاضای اجتماعی آموزش عالی در کشور ما بالا بوده است، از اوایل انقلاب و به‌ویژه از دهه ۷۰ به بعد بسیار شدید شد و این روند تا اوایل ۹۰ وجود داشت و ما شاهد تقاضای بالایی برای ورود به آموزش عالی بودیم. به موازات همین تقاضای اجتماعی و پاسخ به آن هم در برنامه‌های توسعه به‌ویژه در چهار برنامه اول، توسعه کمی مورد تاکید قرار گرفته بود که از جمله آن می‌توان به دسترسی عمومی به آموزش عالی، صدور مجوز تاسیس دوره‌های شبانه، پردیس‌های خودگران، اعطای مشوق‌های مالیاتی برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در این حوزه و... در برنامه‌های توسعه اشاره کرد، به‌طور مثال در برنامه اول توسعه تاکید به دسترسی عمومی و توسعه آموزش عالی به مناطق محروم با افزایش دانشگاه‌ها را شاهد بودیم. در برنامه دوم البته اندکی به شاخص‌های کیفی پرداخته شده بود اما تحقق کیفیت را کمتر شاهد بودیم، بلکه بیشتر توسعه کمی را می‌بینیم، به‌طوری که تعداد دانشجویان ما در یک بازه زمانی به ۴ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر رسیده بود؛ از این رو باید عنوان کرد که برنامه‌های توسعه‌ای در توسعه کمی این حوزه بی‌تاثیر نبوده است.

این برنامه‌ها تا چه میزان توانسته‌اند در توسعه کیفی و ارتقای کیفیت آموزش در نظام آموزش عالی کشور اثرگذار باشند؟

علی‌رغم اینکه به مسائل کیفی در برنامه‌ها توجه شده، اما تصور بنده این است که بیشتر این برنامه‌ها در حوزه کمی موفق بوده‌اند و سهم آنها در توسعه کیفی کمتر بوده است.

اصلاح شیوه‌های پذیرش باید در برنامه هفتم لحاظ می‌شد یکی از موضوعاتی که در برنامه هفتم توسعه شاهد آن هستیم، موضوع تحصیل رایگان در دانشگاه‌های دولتی است. با توجه به اینکه در سال‌های اخیر چالش عدالت آموزشی در کشور مورد توجه قرار گرفته، وجود این بند را چطور ارزیابی می‌کنید؟

در وهله اول باید بگویم در اسناد توسعه‌ای به عدالت آموزشی توجه شده است، یعنی همین که توسعه آموزش عالی در مناطق محروم را شاهد هستیم، یک نوع توجه به عدالت آموزشی است و این مساله هم در مناطق مختلف کشور رخ داده است. این را فارغ از بحث کیفیت مطرح می‌کنیم، ما هم در برنامه اول توسعه در بحث توسعه آموزش عالی در مناطق محروم تاثیر داشتیم و هم در برنامه چهارم این اتفاق را شاهد بودیم، به‌طور مثال به تنوع‌بخشی در بحث ارائه آموزش‌ها در این اسناد توجه و به توسعه پردیس‌های دانشگاهی هم تاکید شده بود. همچنین ما برای خیرین معافیت‌های مالیاتی را در برنامه سوم شاهد هستیم تا بتوانند در بحث توسعه آموزش عالی مشارکت داشته باشند، این مولفه‌ها همگی به‌نوعی به افزایش عدالت کمک کرده و این‌طور نبوده که بخواهیم آموزش عالی را در یک منطقه خاص محبوس کرده باشیم، اما نکته مهمی که وجود دارد، این است که دانشگاه‌های کشور به لحاظ سطح کیفی و زیرساخت‌ها و امکانات، با یکدیگر در یک جایگاه قرار ندارند و آنچه شاید بحث عدالت آموزشی را زیرسوال ببرد، بحث پذیرش دانشجو است، یعنی ما یک سری روش‌های پذیرش مانند بومی‌گزینی را در دهه ۶۰ از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی ایجاد کردیم و این مساله دسترسی به دانشگاه‌ها را مدیریت می‌کرد و باعث شده بود افرادی که در شهرهای بزرگ و کلانشهرها حضور ندارند، امکان حضور در چنین دانشگاه‌هایی را کمتر داشته باشند، به‌طور مثال کسی که در سیستان‌وبلوچستان، ایلام یا نقاطی از این دست است، امکان قبول شدنش در دانشگاه‌های تهران که اغلب جزء بهترین دانشگاه‌های کشور هم هستند، کم می‌شود و این از بعد عدالت آموزشی مشکل‌ساز است.

شاید درست نباشد که بخواهیم امکانات دانشگاه تهران را به یک استان بسیار کوچک منتقل کنیم، این مساله نه ممکن و نه عادلانه است، اما این امکان وجود دارد که بتوانیم رقابت سالم‌تر را در اختیار داوطلبان قرار دهیم تا بتوانند در دانشگاه‌های سطح اول کشور قبول شوند. امروز اگر به استان‌های مرزی کشور نگاه کنیم، می‌بینیم تعداد افراد بومی که در استان خودشان پذیرفته می‌شود، بسیار زیاد است و این مهم هم مسائل امنیتی را درپی دارد و هم با عدالت آموزشی مغایر است. انتظار می‌رفت بخشی از عدالت آموزشی یا اصلاح شیوه‌های پذیرش را در برنامه هفتم توسعه شاهد باشیم که این اتفاق نیفتاده است. مساله دیگر اینکه بحث پولی شدن آموزش در سند برنامه هفتم، باعث کم شدن دانشگاه‌های دولتی نمی‌شود، بلکه آنچه در این برنامه آمده درباره توزیع منابع است، یعنی اینکه آموزش رایگان را در اختیار چه کسانی قرار دهیم؟ یعنی دانشگاه دولتی وجود دارد اما آموزش رایگان آن شامل همه نخواهد شد. تصور نمی‌کنم اگر این مورد در برنامه هفتم زمانی که برنامه به مجلس ارائه شود، از سوی نمایندگان تصویب شود. با توجه به شناختی که نمایندگان دارم و می‌دانم دغدغه محرومان را دارند، به اینکه مردم بتوانند از آموزش رایگان بهره‌مند شوند، توجه دارند.

۹ برداشت دولت از اصل ۳۰ قانون اساسی اصلاح شود

مولفه‌های انتخاب دانشجوی مستعد در برنامه هفتم مشخص نیست و شاید این‌طور تصور شود که رتبه‌های اول کنکور شامل این مهم می‌شوند، درحالی که طی سال‌های اخیر رتبه‌های اول، جزء دهک‌های بالای جامعه بوده‌اند؛ این مساله چقدر می‌تواند به حوزه عدالت آموزشی ضربه بزند؟

بله، هیچ شاخصی برای انتخاب نخبگی افراد مشخص نشده است. اینکه گفته‌شده درصدی از آموزش رایگان را در اختیار افراد نخبه قرار دهیم، باید شاخص داشته باشد که این اتفاق نیفتاده است. اگر قرار باشد نخبگی رتبه‌های برتر در کنکور باشند، طبق مطالعات انجام شده، اغلب آنها از دهک‌های بالای جامعه بوده‌اند و این مهم با عدالت مغایرت دارد. اینکه بخواهیم بار دیگر منابع و امکانات کشور را در اختیار افراد دهک‌های بالا بگذاریم و محرومان را محروم‌تر می‌کنیم و این بند از برنامه هفتم توسعه هم مبهم بوده و هم یک برداشت ناقص از اصل ۳۰ قانون اساسی به‌شمار می‌رود، درحالی که باید درک بهتری از این اصل پیدا شود و متناسب با آن حکم صادر شود. اما اصل داستان این است که با توجه به محدود بودن منابعمان، بتوانیم استفاده بهینه از آموزش رایگان داشته باشیم. نباید به گونه‌ای باشد که در هر رشته‌ای به هر میزان پذیرش انجام دهیم و بعد آنها به افراد بیکار در جامعه تبدیل شوند، بلکه باید مهندسی بتوانیم از منابع محدودمان استفاده بهینه کنیم، یعنی اگر برداشت دولت از اصل ۳۰ قانون اساسی اصلاح شود و شناسایی رشته‌های مورد اولویت به درستی انجام شده و منابع هم به‌درستی توزیع شوند و محرومان از قلم نیفتند، می‌تواند برای اینکه از آموزش بی‌هدف فاصله گرفته و به‌سمت آموزش هدفمندتر برویم، شروع خوبی باشد.

یکی از نقدهای مهم در حوزه آموزش عالی، تعدد دستگاه‌های تصمیم‌ساز است که در سند هفتم هم شاهد آن هستیم، یعنی بخشی از تصمیمات برعهده شورای گسترش آموزش عالی و بخش دیگر برعهده شورای عالی انقلاب فرهنگی است، این مساله چقدر مشکل ساز بوده است؟

آموزش در کشور ما چه آموزش‌های عمومی و چه آموزش عالی انسجام و هماهنگی لازم را ندارد، درحالی که در دنیا و کشوری مانند ژاپن، تمام حوزه آموزش حتی قبل از دوره ابتدایی تا پایان دوره دکتری را یک وزارتخانه اداره می‌کند که بخش جوانان و ورزش را هم اداره می‌کند، اما ما برای مقطع قبل از ورود به دانشگاه وزارت آموزش‌وپرورش را داریم، برای آموزش‌های غیرپزشکی وزارت علوم و برای پزشکی‌ها هم وزارت بهداشت را داریم و در کنار آنها ساختار دانشگاه آزاد اسلامی را هم داریم، از این رو عدم انسجام در آموزش عالی زیاد است که قطعا آسیب‌هایی را هم دارد و برنامه هفتم فرصت خوبی است که هماهنگی میان متولیان فرابخشی و بخشی این حوزه ایجاد و موازی‌کاری‌ها حذف شود و باید این نکته در نسخه نهایی این برنامه لحاظ شود.

۹ فرهنگ و زیست دانشجو جزء اولویت‌ها نبوده است

با توجه به اتفاقاتی که یک‌سال اخیر در فضای دانشگاهی رخ داد، انتظار می‌رفت که بحث فرهنگ و زیست دانشجو مورد توجه جدی تدوین‌کنندگان برنامه هفتم قرار بگیرد، اما این مساله محقق نشد؛ این مهم را چطور ارزیابی می‌کنید؟

دانشگاه تنها یک نهاد آموزشی نیست، بلکه یک نهاد فرهنگی و اجتماعی هم به‌شمار می‌رود و در دنیایی که به‌سرعت درحال تحول بوده و آموزش را هم می‌توان از طرق دیگر و پلتفرم‌های مختلف به‌دست آورد و همچنین دانشگاه‌های طراز اول درحال گسترش آموزش‌های مجازی خود برای تمام مردم دنیا هستند، اگر به نقش فرهنگی و شخصیت اجتماعی دانشگاه بی‌توجه باشیم، به‌تدریج این مراکز جذابیت‌شان را برای مردم از دست می‌دهند. به‌نظرم این ایراد نوع نگاهی است که دولت‌ها به دانشگاه داشته و نقش فرهنگی آن را کمتر مدنظر داشتند و کمبود منابع یکی از این دلایل است. به‌عبارت دیگر کارهای فرهنگی نیازمند منابع مالی مناسبی است اما شاید دولت‌ها به وظایف روزمره دانشگاه‌ها بیشتر توجه داشته‌اند و این مساله باعث شده برنامه‌های فرهنگی یا مورد توجه قرار نگیرد یا به حاشیه بروند. در حوزه آموزش عالی فرهنگ و زیست دانشجو اولویت نبوده است.

در برنامه هفتم توسعه، شاخص‌های ارزیابی برای رصد میزان تحقق سند برخلاف برنامه ششم وجود نداشته است، دلیل حذف این سنجه را چه می‌دانید؟

یکی از ویژگی‌هایی که یک برنامه باید از آن برخوردار باشد، همین دارا بودن سنجه‌هایی است که بتوان براساس آن میزان تحقق آن را پیگیری کرد و بتوان روی آن نظارت کرد. در برنامه ششم هم بسیاری از احکام دارای شاخص‌های کمی نبودند، البته حکم ماده ۶۴ دارای جداول شاخص‌های کمی بود اما دیگر احکام این‌طور نبود، درحالی که بهتر است یکسری شاخص‌های کمی و کیفی برای نظارت و روند رو به رشد برنامه پیش‌بینی شود تا تحقق آن با ضریب بیشتری انجام شود.